

عوامل ارتكابی جرائم خشن و راهکارهای پیشگیری آن

عبدالرضا اصغری^۱، سمیرا سیدی^۲

^۱استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

^۲دانشجو کارشناسی ارشد حقوق جزا

نام نویسنده مسئول:

عبدالرضا اصغری

چکیده

درمیان جرائم مختلفی که توسط افراد روی می دهد برخی از جرائم با توجه به ویژگی خاصی که دارند به جرائم خشن معروفند. اینکه به چه جرایمی خشن اطلاق میشود؟ برخی از افراد در چه شرایطی مرتکب چنین جرایمی می شوند؟ مرز بین جرائم عادی و جرائم خشن کجاست؟ و آیا این موضوع پدیده ای واحد در تمامی فرهنگ ها است؟ و بالاخره این سؤال مطرح می شود که چه عوامل و زمینه های اجتماعی و فرهنگی و چه عوامل و زمینه های فردی در شکل گیری و ایجاد چنین جرایمی نقش دارند؟ بررسی و شناخت این موضوعات و روابط بین آنها می تواند روشن کننده این ابعاد پنهان باشد. جرایم خشن به جرایمی اطلاق می شود که با ابزارها و شیوه های خشونت آمیز صورت بگیرد به نحوی که باعث آزار و اذیت شدید جسمی یا روحی مجنی علیه و جریحه دار شدن احساسات عمومی جامعه گردد که از آن جمله می توان به جرایمی چون قتل عمد، ضرب و جرح عمدی، سرقت به عنف، زورگیری، اسید پاشی، و ... اشاره کرد. در بروز وقوع جرایم خشن در یک جامعه علل و عوامل گوناگونی از جمله علل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار است که بررسی مبسوط همه آنها در این مقاله میسر نمی باشد. لکن در حد وسیع و بطور گذرا به آنها پرداخته خواهد شد و در پایان سعی بر ارائه راهکارهای عملی و علمی مفید و کاربردی در کاهش و پیشگیری از وقوع این جرائم خواهد بود.

واژگان کلیدی: جرم خشن، خشونت، امنیت، علل و عوامل، پیشگیری

مقدمه

سیاسی بودن و زیستن در یک روستا شهر به مفهوم آن است که همه چیز از طریق گفتگو و متقاعد ساختن حل و فصل شود و نه با زور و خشونت، خشونت همزاد بشریت است.

جرایم خشن در جامعه ما نیز گسترش یافته و به اشکال مختلف نمایان است. بطوری که میتوان علل روان شناختی را عاملی برای آنها تصور کرده و میتوان به کمک نظریه های گوناگون جامعه شناختی آن را تبیین نمود. میتوان نقش اقتصادی و مسائل مالی در شکل گیری آن را بررسی کرد و میتوان به پارامترهای فرهنگی و اجتماعی توجه نمود، بدیهی است در یک تحلیل جامع تمامی این عوامل نقش مؤثری دارند و هیچ یک از آنها را نمیتوان به نفع دیگری حذف نمود. در سطح داخلی میتوان به این مسائل در درون یک کشور پرداخت و هنجارهای موجود و قواعد حاکم بر جامعه را دوران مؤثر دانست.

برخی از جنایات خشن که ما آنها را جنایات وحشیانه دوران معاصر می خوانیم برگرفته از اعتقادات و تعصبات افراد است. جرایم خشن پیشینه ای طولانی دارد، از جمله مغول ها تا قتل و غارت هایی که در طی قرن ها در کشورهای مختلف روی داده است تاجنایات نازی ها در جنگ جهانی دوم و بمباران شیمیایی حلبچه توسط صدام، همه و همه نمونه هایی از این فجایع اند اما این جنایات در قالب موضوعات و مسائل سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد درحالی که آنچه ما در بررسی جامعه شناختی جرایم خشن در نظر داریم ابعاد اجتماعی آن است. درمیان جرایم مختلفی که توسط افراد روی می دهد برخی از جرایم با توجه به ویژگی خاصی که دارند به جرایم خشن معروفند. اینکه برخی از افراد در چه شرایطی مرتکب چنین جرایمی می شوند؟ مرز بین جرایم عادی و خشن کجاست.

مبحث اول: مفاهیم

اصول هر تحقیق حکم میکند که برای مطالعه هر رشته ابتدا باید مفاهیم و تعاریف آن علم آشنا شویم. در این مبحث ابتدا به بررسی مفهوم خشونت از دیدگاههای مختلف می پردازیم سپس مفهوم جرم خشن را از دیدگاه حقوقی، جامعه شناختی و روان شناسی بررسی خواهیم نمود.

گفتار اول: جرم

جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است^۱ و در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آنچنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز این است که پدیده ی جرم بر حسب دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم مجسوب می شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید.^۲

۱- (سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی، فارسی. ج اول، ذیل کلمه جرم)

۲- (شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، ص ۲۱۳).

الف) تعریف جرم در فقه اسلامی

جرم در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارتند از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آن را منع کرده است. به عبارت دیگر افعال و اقوالی جرم تلقی می شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند بطوری که در آیه ۱۲ سوره مائده (یجرمنکم) به معنای کارهای زشت و ناپسند وارد شده است. و نیز لفظ (مجرمین) در آیه ۴۸ از سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می برند، همین معنا را میتوان از آیاتی که در باب انواع جرایم مشمول است قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت در قرآن کریم وارد شده است استشهد نمود^۳. سخن امام خمینی درباره جرم؛ امام خمینی (ره) نیز جرم را در معنای عام آن در مورد توجه قرار داده و آن را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته اند، منتها شرطی را که قائل شده اند این است که لفظ جرم را برای گناهان کبیره استعمال کرده است بطوری که می فرمایند: (هرکسی یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد به امام (ع) یا نائب اوست وی را به کیفر تعزیر برساند به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد).^۴

ب) تعریف علمای حقوق از جرم

علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه ای تعریف کرده اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایشهای نظری مکتب های خاصی ملهم شده است، برای نمونه مکتب عدالت مطلق، جرم را ((هر فعل مغایر اخلاق، و عدالت تعریف کرده است، یا بنا بر تعریف گارو فالو یکی از بینان گذاران دانش جرم شناسی، جرم عبارتند از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی (جریحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستی را شامل می شود) اردبیلی، محمدعلی، جزایر عمومی ص ۱۱۹.

ج) جرم در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی از جرم تعریف نشده است، فقط در ماده ۲ قانون مجازات در آن اوصاف جرم آمده است ((هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می شود.))

گفتار دوم: خشونت

در فرهنگ دهخدا خشونت درستی و ریزی، غلظت، سختی، تند و تیزی، سخت رویی، و خشم و غضب و خشکی معنا شده است. فرهنگ عمید نیز بر خشونت را درستی، زبری، ناهمواری و تند خویی، معنا کرده است خشونت از نظر لغوی به معنی خشکی، تند و سختی است، هرگونه رفتاری که باهدف وارد نمودن آسیب به یک یا بیش از یک پدیده صورت گیرد رفتار خشونت آمیز نام می گیرد. رفتار خشونت آمیز میتواند در سطح آگاهانه یا نا آگاهانه صورت گیرد. ((ویکی

۱- (ولیدی. محمد صالح. حقوق جزای عمومی ص ۱۳)

۲- (موسوی خمینی، امام روح الله، تحریر الوسیله، مکتب العلمیه الاسلامیه. ۱۳۹۰ق. ج دوم)

پدیا_دانشنامه آزاد) در تعریف اصطلاحی خشونت توافق نظر وجود ندارد، گاهی اعمال زور را خشونت می دانند و گاهی سواستفاده از قدرت را خشونت می دانند. بعضی خشونت را به دو دسته تقسیم می کنند، خشونت نامشروع را خشونتی می دانند که با مجرمین باشکستن قانون مرتکب آن میشوند، و خشونت مشروع را خشونت دولت‌مردان در مجازات مجرمین می دانند.

الف) تعریف خشونت از دیدگاه جامعه شناختی

از دیدگاه جامعه شناختی خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی و یا غیر فیزیکی فرد خشن خواسته خود را به دیگران تحمیل می کند.

برخی دیگر خشونت (برگرفته از کتاب آسیب شناسی ادبیات اجتماعی معاصر با درنگی در باب خشونت و مدارا) نوشته علی اکبر رشاد "چاپ مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر ۷۹)) را معادل با نابرابری مذهبی و دیگر ناپذیری فکری و عدم مماشات با رقبای سیاسی می دانند. این معنا معطوف به رفتار و روابط اجتماعی است. و در قبال بردباری مذهبی دگر پذیری و مدارا و به تعبیر عرب ها تعایش سلمی قرار می گیرد. این معنا غیر از قاطعیت است، زیرا ممکن است کسی قاطع باشد اما در جایی خود با دیگران مماشات کند.

((خشونت: رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می زند و دامنه آن از تحقیر توهین و تجاوز و جرح تا تخریب اموال و دارایی طرف مقابل و قتل او گسترده است)) بنابراین میتوان گفت رفتارخشن طیف وسیعی را دربر می گیرد که در یک سوی آن میتوان تحقیر یا توهین به افراد دیگر و در انتها دیگران قتل و کشتن طرف مقابل باشد. واژه جرم نیز تعریف نزدیکی با برخی از واژه ها مانند کجروی و بزهکاری دارد اما در واقع هریک از این واژه ها تعاریف خاص خود را دارند.

به نظر برخی از جامعه شناسان کجروی ((کاربرد مترادف دو واژه جرم و کجروی را در جوامعی میتوان مشاهده کرد که در آنها قوانین مکتوب و مدون وجود ندارد))

در برخی از جوامع کاربرد واژه جرم را معمولاً به مواردی محدود میشود که قانون و هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه را منع کرده است و ارتکاب آن این نوع هنجار را نقص می کند. هر چند بعضی از انواع کجروی را جرم تلقی می کنند اما همه جرائم کجروی محسوب نمی شوند. عبور نکردن از خط کشی عابر پیاده در خیابان جرمی است که توسط افرادی بشمار به وقوع می پیوندد. به عبارت دیگر برخی از جرائم مانند رانندگی در اذهان عمومی از قبح چندانی برخوردار نیست و البته باید تفاوت های بزرگ فرهنگی در این موارد اشاره نمود. بطوری که تخلفی بی اهمیت در یک جامعه در جامعه ای دیگر بسیار مهم و حائز اهمیت تلقی می گردد. واژه بزه را نیز در مواردی به عنوان اقدامات مخالف با قانون و همسان با واژه جرم دانسته اند، اما منظور از بزه را نیز معمولاً رفتارهای مخالف با قوانین از سوی افرادی است که به سن قانونی نرسیدن به همین دلیل جامعه سونیتی را که در رفتار مجرمانه افراد بزرگسال می بیند در رفتار آنان مشاهده نمی کند و این دسته قانون شکنان را همانند افراد بزرگسال قابل تعقیب کیفری نمی داند. باید توجه داشت که اگر چه قشر های فقیرتر جامعه قسمت اعظم جرائم را مرتکب می شوند اما فعالیت های تبهکارانه، محدود به این قشرها نیست. بسیاری از افراد ثروتمند و قدرتمند مرتکب جرائمی می شوند که نتایج آنها تأثیرات سو بیشتری بر جامعه دارد. جرائم یقه سفیدان و ((جرائم مدیریتی)) در ایران رتبه اول را دارد اما به علت توانمندی های این افراد در پنهان ساختن جرائم و فرار از قانون کمتر میتوان به آنها پی برد.

به این نکته نیز باید توجه کرد که برخی از جرائم آشکارتر از جرائم دیگر است بطوری که جرائم پنهان در بسیاری موارد کشف نمی شوند و حتی در آرمان های موجود نیز از آنها نامی به میان نمی آید و نکته دیگر اینکه بین انواع جرائم نوعی ارتباط وجود دارد همانطور که ((انواع خشونت ها ارتباطی بسیار نزدیک با یکدیگر دارند بطوری که نمیتوان خشونت های فرهنگی اقتصادی قانونی و سیاسی را از یکدیگر جدا کرد و به تنهایی مورد مطالعه قرارداد، در جامعه مانوعی خشونت سیستماتیک رواج دارد و بدیهی است که قربانیان اصلی این خشونت ها عمدتاً زنان و کودکانند.))

ب) تعریف خشونت از دیدگاه روان شناختی

پرخاشگری انسانی هیجانی است که به رغم طنین منفی آن از لحاظ آماری نابهنجار نیست و بخش عمده آن نیز غیر قانونی به حساب نمی آید چرا که جرائم خشونت آمیز تنها بخش کوچکی از این پدیده را تشکیل می دهند. بنابراین به نظر می رسد که برای درک رفتار خشونت آمیز فردی باید جایگاه آن را در چهارچوب پرخاشگری به عنوان یک رفتار روزمره مشخص کرد.

اما شاید بهتر باشد که قبل از ارائه تعریفی مناسب برای اصطلاح اخیر، دوریخت متفاوت آن یعنی ((پرخاشگری خصمانه)) و ((پرخاشگری ابزاری)) از یکدیگر متمایز شوند. برای نخستین بار فشباخ (۱۹۶۴) این دو ریخت پرخاشگری را با در نظر گرفتن هدفها و فوایدی که برای فرد پرخاشگر دارند از یکدیگر متمایز کرد.

پرخاشگری خصمانه که شامل بسیاری از قتل ها، تجاوزها و یا دیگر جرائم خشونت آمیز است در پاسخ به شرایط خشم انگیز مانند شنیدن ناسزا، حمله های جسمانی یا شکستهای شخصی برانگیخته می شود. در چنین مواردی هدف پرخاشگر، آسیب رساندن به قربانی است، پرخاشگری خصمانه که با بروز حالت برپایی ناشی از محرکها و بخصوص محرکهای که یادآورنده حمله یا ناکامی مشخص می شود، سازمان یافتگی رفتاری را از هم می پاشد.

پرخاشگری ابزاری با رقابت و میل به دستیابی به برخی از اشیاء یا منزلت فرد دیگر آغاز می شود و فرد پرخاشگر کوشش می کند تا به آنچه مورد تمایل اوست دست یابد، معمولاً در اینگونه موارد قصد صدمه زدن به دیگری وجود ندارد اما اگر کسی مانعی در راه هدف فردی که قصد ارتکاب عمل را دارد ایجاد کند خود را مجبور می بیند تا به او آسیب رساند یا آنکه از هدف خود صرف نظر نماید.

در متون مختلف اصطلاحات پرخاشگری، خشونت و حتی خشونت مجرمانه گاهی با معانی متفاوت و زمانی بصورت مترادف بکار برده شده اند و ما پیش از آنکه به موضع گیری خود در این اثر اشاره کنیم به ارائه برخی از این تعاریف می پردازیم:

از دیدگاه برخی از مؤلفان^۵ پرخاشگری به معنای آزار و اذیت رساندن به دیگران یا بهر برداری از آنهاست بدون آنکه الزاماً در برگیرنده آسیبهای جسمانی باشد.

برخی از متخصصان^۶ پرخاشگری را عبارت از ایجاد ناراحتیهای روانشناختی و یا وارد کردن صدمات جسمانی به دیگری می دانند که با قصد قبلی همراه است. اما از آنجا که آنچه به عنوان صدمه و آسیب تعبیر می شود به ارزشها و قراردادهای اجتماعی وابسته است، تنبیه های که جنبه قانونی دارند و یا آسیبهای که برا دفاع از خود به دیگری وارد میشوند،

۱- (مگارگی ۱۹۸۲؛ سیان ۱۹۸۵)

۲- (هالین ۱۹۹۶)

پرخاشگری به حساب نمی آیند، پس پرخاشگری عبارت از ایجاد صدماتی است که نه تنها از دید مشاهده کننده غیرقابل توجیه است بلکه فقط در چهارچوب اصول اخلاقی و قانونی یک جامعه مشخص معنای خود را می یابد. گروهی از روانشناسان اجتماعی مانند^۶ نیز پرخاشگری را قصد آسیب رساندن جسمانی و یا اجتماعی به فردی دیگر و یا تخریب یک شی دانسته اند.

با آنکه تعاریف ذکر شده می توانند در بیشتر موقعیتهای صادق باشد اما دارای محدودیت های نیز هستند و اعمال پرخاشگرانه فعل پذیر مانند پاسخ ندادن عمدی به یک سوال، سد کردن راه ورود یک منزل با نشستن روی پله ها و یا توقف جلوی درب ورودی گاراژ یک خانه را در بر نمی گیرد.

خشونت براساس وارد کردن صدمه های وخیم به دیگری و استفاده نابجا از نیروی جسمانی تعریف شده است و قتل، تهاجم، دزدی، تجاوز جنسی، و جزان را شامل میشود.^۸

خشونت مستلزم بکار بردن نیروی جسمانی علیه فردی دیگر است که گاهی با انگیزه پرخاشگرانه برانگیخته میشود^۹ و بالاخره خشونت مجرمانه شامل رفتارهای آسیب زننده ای است که قانون آنها را منع کرده است.^{۱۰}

براساس تعریف مذکور بخوبی آشکار است که وابستگی مفاهیم پرخاشگری و خشونت با اسنادها و ارزشهای مشاهده کننده موجب شده مؤلفان به تعریفی که قبول عام یافته باشد و طیفی از رویداد های مشابه را پوشش دهد، دست نیابند. برخی از آنها برپیامد عمل تأکید کرده اند، برخی دیگر توجه خود را به رفتار به خودی خود مانند تهدیدها و یا نیت فرد در آسیب رساندن به دیگری معطوف نموده اند و بالاخره گروهی نیز بدون توجه به قصد و معنای اجتماعی عمل، رفتارها با هدفهای متفاوت را در مقوله های مشابهی قرار داده اند و با تعریف اصطلاح پرخاشگری بصورت عینی _ یعنی پاسخی که محرک آزار دهنده را به یک ارگانیزم وارد می کند^{۱۱} رفتار دندانپزشکان، قضات و حتی رانندگان بی احتیاط را نیز در مقوله رفتارهای پرخاشگرانه قرار داده اند.

با وجود این اغلب روانشناسان در حال حاضر، نیت و قصد را آشکار را در تعریف پرخاشگری می گنجانند، و این اصطلاح را در مورد اعمالی بکار می برند که هدف آنها صدمه زدن به فرد دیگر (بدون رضایت اوست)^{۱۲} چنین تعریفی به رفتارهای قانونی و غیر قانونی پوشش می دهد اما صدمات یا سونیت را از آنها بی که با حسن نیت (مانند عمل جراحی) همراهند و یا از آسیبهای که قربانیان (آزادپذیر) تحمل می کنند، متمایز می کنند. ضمن آنکه با جرایم خشونت آمیز به معنای آسیب رساندن توأم با قصد و بدون رضایت قربانی، هماهنگی دارد.

بر حسب این تعریف رفتار پرخاشگرانه می تواند بصورت آسیب های جسمانی کلمات اهانت آمیز یا کار شکنی فعل پذیرانه بروز کند و آثار آن را به طیفی که از رنجش تا مرگ گسترده است، پوشش دهد.

۳- (میلگرام، ۱۹۷۷)

۴- (بلاک برن، ۱۹۹۶)

۵- (سیان ۱۹۸۵)

۶- (هالین ۱۹۹۶)

۷- (بوس، ۱۹۶۱)

۸- (زیلمن، ۱۹۷۹)

گفتار سوم: جرایم خشن

در تعریف جرم خشن اظهار نظرهای زیادی وجود دارد عده ای براین باورند که مواردی چون قتل یاسرقت مسلحانه مصادیق عمده جرایم خشن هستند و عده‌های دیگر معتقدند که تمامی جرایم جنسی را باید در زمره ی جرم های خشن محسوب نمود. در تحقیقات جدیدتر سعی بر این است که خشونت های جنسی به عنوان یک مقوله. جداگانه بررسی میشود، زیرا دلایل ارتکاب آنها بسیار متفاوت است. لیور معتقد است در جرایم خشن یک فرآیند پیچیده وجود دارد که از گذشته فرد آغاز میشود و پس از ترکیب با زمینه های گوناگون محیطی در شرایط حال به یک عمل تبدیل میشود.

هنگامی که جرایم خشن را از دیدگاه مردم مورد سؤال قرار می دهیم، قتل در رتبه اول قرار می گیرد و نوعی توافق عمومی درباره آن وجود دارد اما در واقع جرایم خشن در کنار قتل شامل تمامی مواردی می شوند که منجر به ضرب جرح و آسیبهایی فیزیکی شده اند.

در مواردی ممکن است به محض آنکه آسیب فیزیکی به فرد وارد شوند او مورد تهاجم روحی و روانی قرار گیرد بطوری که برخی از این آسیب ها حتی پس از گذشت سالها قابل جبران نباشد، به عنوان مثال آدم ربایی از جمله جرایم است و این پدیده به شدت وابسته بر شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوامع است.

براساس مطالعات سازمان غیر دولتی (ای کی وی پکس کریستی) هلند، مکزیک بالاتر از عراق مقام اول آدم ربایی در جهان را دارا است.

براساس این مطالعات، آمار رسمی در سال ۲۰۰۷ درمکزیک نشان دهنده هفت هزار مورد آدم ربایی است که ممکن است تنها بخشی از ارقام واقعی باشد.

ماریان مور مسئول امور آمریکای لاتین سازمان هلندی (ای، کی، وی، پکس کریستی) معتقدند آدم ربایی در مکزیک ارتباط بسیار نزدیک با قاچاق مواد مخدر دارد و اکثر افراد ربوده شده بازرگانان موفق، شهروندان طبقه متوسط رو به بالا و بعضا گردشگران آمریکایی هستند.

همچنین با توجه به آمار قابل توجه آدم ربایی در بین کشورهای آمریکای لاتین میتوان گفت؛ عراق پس از مکزیک دوم است و هندوستان، آفریقای جنوبی، برزیل، پاکستان، اکوادور، ونزوئلا، کلمبیا، و بنگلادش در پی آنها قرار دارند.

بطور کلی تعریف مشخصی از جرایم خشن در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مربوطه وجود ندارد اما میتوان جرم خشن را به این نحو تعریف نمود: جرایم خشن به جرایمی اطلاق میشود که به نوعی همراه با العنف و اجبار است و امنیت جامعه را تهدید می کند .

همانطور که ملاحظه می شود بارزترین خصوصیت این جرایم ارتکاب فعل مجرمانه توأم با العنف و اجبار است و نتایج بسیار مخربی بر قربانی و جامعه می گذارد که مهمترین آن احساس عدم امنیت است، از این رو با توجه به اینکه یکی از وظایف اصلی حکومت ایجاد امنیت و آرامش برای احاد ملت می باشد انتظار می رود دستگاه قضایی کشور و ارگانهای مربوطه بیشتر و دقیق تر نسبت به شناسایی و برخورد با این پدیده شوم و پیشگیری از آن تلاش نمایند.

گفتار چهارم: علت، انگیزه، عامل و فرآیند

در جوامعی که نا برابری های اقتصادی و اجتماعی شدت زیادی دارد. ارزش ها مشترک بین افراد با تضعیف جدی روبه رومی شود. در این حالت وضعیت تهاجمی و اعتماد بنفس پایین افراد، محرک هایی مانند الکل و مواد مخدر را قدرتمند می سازد و افراد سعی می کنند اختلافات خود را از طریق اعمال خشونت بر طرف سازند (از سوی دیگر نرخ بالای جرم و افزایش مستمر آن باعث می شود تا میزان خرید اسلحه نیز افزایش یابد و این موضوع خود امکان ارتکاب جرم را باز هم افزایش می دهد بطوری که حتی الامکان تهاجم به سیستم های قضایی نیز بالا می رود و ارزش های اجتماعی با افول جدی روبرو می شود و در چنین حالتی حتی ممکن است فرهنگ جرم و جنایت قبح و زشتی خود را از دست بدهد به نوعی تلاش برای احقاق حق تفسیر گردد) در واقع اهمیت جرم خشن از یک سو به این دیدگاه نزد مجرمین مربوط میشود که آنان در جهت احقاق حقوق از دست رفته خود سعی در بدست آوردن آن به هر طریق ممکن دارند و از سوی دیگر وقوع اینگونه جرایم در جامعه امنیت اجتماعی را به مخاطره می اندازد و احساس نا امنی را افزایش می دهد. جرایم خشن هزینه های گوناگونی را بر جامعه تحمیل می کند. اگرچه قتل و حمله های شدید بخش اندکی از جرم ها را شامل می شوند اما حجم قابل ملاحظه ای از هزینه های روانی، مالی و اجتماعی را که جامعه می پردازد به همین جرایم مربوط می شود.

آمارها نشان می دهد در انگستان تنها ۱۰٪ جرائم را میتوان در زمره جرایم خشن محسوب کرد در حالی که بیش از ۳/۱ هزینه ها به همین جرایم مربوط می شود. هزینه های که خانواده های قربانیان و تمامی افرادی که با این نوع جرایم در ارتباط هستند باید آن را بپردازند. (در حالی که میانگین هزینه های یک سرقت اتومبیل کمتر از ۵ هزار پوند است اما ضرب جرح ها حدودا ۲۱ پوند هزینه دارد) اتکینسون معتقد است وقوع یک آسیب جدی در حد ضرب و جرح هزینه را تا ۱۰۰ برابر نسبت به زمانی که این آسیب ایجاد نشود، افزایش می دهد.

البته در این طیف نیز تفاوت ها بسیار زیاد است، مثلا در حالی که هزینه مجروح شدن بیش از ۸ هزار پوند است. هزینه قتل معادله ی ۵/۱ میلیون پوند محسوب می شوند. این آمار نشان می دهد جرایم خشن هزینه زیادی در پی دارد. تحقیقات هوسکینگ نشان می دهد هزینه جرایم خشن در آمریکا بین ۳۳۰-۹۰ میلیارد پوند است.

درحالی که این رقم در کانادا ۲۳ میلیارد پوند و در انگستان بین ۲۵-۱۰ میلیارد پوند است دلایل این تفاوت میتواند بسیار متعدد باشد اما یکی از عمده ترین دلایل آن میزان دخالت عواملی است که می تواند شدت جرم را کاهش دهد و بطور عمده به عوامل انسانی مربوط شود که در ایجاد جرم دخالت دارد. (در آمریکا فرد گرایی شدید باعث می شود تا افراد هنگام ارتکاب جرم مانعی بر سر راه خود نیابند و عابران و رهگذران اغلب بی اعتنا به آنچه که روی می دهد از کنار آن می گذرند در حالی که این وضعیت در انگستان به گونه دیگری است و نوعی حس مسئولیت یا توجه به رفتار دیگران باعث می شود تا انجام برخی از جرایم با دشواری شدیدتری روبه رو گردد).

آمارهای موجود در کشور ما در زمینه جرایم خشن چندان روشن نیست اما با نگاهی به وضعیت و ساختار جمعیتی کشور میتوان دریافت که بافت جمعیت در آینده به صورتی خواهد بود که امکان تشدید این جرایم وجود دارد و چرا که هم اکنون در کشور ما ۱۲ میلیون جوان مجرد وجود دارد که تا چهار سال آینده بخش عمده ای از آنان به سن یاس ازواج می رسند. یعنی شرایطی که آن از امید افراد برای تشکیل خانواده به شدت کاسته می شود. اگرچه سن یاس ازدواج در روستا و شهر با اساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده ها و محل زندگی افراد متفاوت است. اما به هر حال این وضعیت زمینه مساعدی برای رشد جرایم گوناگون و از جمله جرایم خشن می گردد. در ایران سالانه دوازده هزار و

سیصد مورد قتل عمد گزارش می شود که در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان رقم پایینی است. اما باید توجه داشت که در برخی از کشورها مانند آمریکا امکان خرید اسلحه وجود دارد و این امکان زمینه ارتکاب به قتل را افزایش می دهد.

در کشور ما با وجود ممنوعیت همراه داشتن اسلحه برای افراد عادی شاهد وقوع چنین قتل هایی هستیم. در کنار قتل برخی از جرایم دیگر نیز در زمره جرایم خشن محسوب می شوند ((کیف قاپی و سرقت با عنف تحت پوشش مسافرکش نمادها در سال ۱۳۸۷ جز جرایم خشن محسوب شدند و برای آنها جرایم سنگین تری وضع گردید.)) از سوی دیگر شرایط خاص و اجتماعی کشور بر چگونگی و انگیزه افراد در ارتکاب جرایم مؤثر واقع می شود ممکن است در یک کشور علت اصلی قتل مسائل مالی باشد و در کشورهای دیگر این موضوع در رتبه نخست قرار نگیرد. ((در ایران طبق اطلاعات پلیس ناجا ۵۰٪ درصد مقتولان زن از سوی محارم درجه یک به قتل رسیده اند<> یعنی میتوان گفت پاره ی از مسائل فرهنگی از اهمیت فوق العاده ای در این زمینه برخوردارند. برخی از مسائل نیز در شکل گیری و ارتکاب به انگیزه برای ارتکاب برخی جرایم باشد چرا که ((نداشتن مردی تحت عنوان سرپرست و همراه بدون زن را مورد تهدید مردان دیگر قرار می دهد.

اگر جرایم جنسی را نیز در زمره ی جرایم خشن محسوب نماییم وضعیت به مراتب بدتر خواهد بود. گزارش های از فراگیری موج فساد و فحشا و روسی گری وجود دارد. در اغلب آنها به نکات مهم و واقعیات تلخی مانند پایین آمدن سن فحشا به زیر ۲۰ سال و تا مرز ۱۵ سال و پایین تر از آن اشاره شده است. بنابراین اهمیت توجه به جرایم خشن هم زمینه های شکل گیری این گونه جرایم مرتبط است و هم میتواند در نگرش جامعه شناسان نسبت به تحلیل ای پدیده نوعی تحول را به وجود آورد.

جرم شناسی معتقدن که در آثار افرادی مانند دورکیم دیده می شود عمدتا مجرم محور است و در آن تلاش می شود تا انگیزه های مجرمین در مثلی شامل جرم و مجرم و کنترل مورد بررسی قرار گیرد. با گذشت زمان این موضوع آشکار گردید که چنین نظریه های عمدتا در تبیین و کنترل آن چندان مؤثر نبوده اند. به تدریج بحث دیگری با عنوان قربانی شناسی (به حوزه این مطالعات اضافه شد و ساختار مثلث قدیمی را بهم ریخت. آمار نشان می داد در جای که ۱۰٪ مردم ممکن است دست به ارتکاب جرم بزنند اما عده ای زیادی قربانی می شوند. در قربانی شناسی تأکید عمده ای بر مفهوم قربانی و مواردی مانند سبک زندگی روزمره فرد و الگو هایی که زمینه را برای آسیب پذیری بیشتر فرد فراهم می کند به عمل می آید. در این حالت جامعه شناسی در کنار توجه به انگیزه ها و زمینه های ارتکاب جرم توسط مجرمین به قربانیان نیز توجه می کند زیرا آنها در شکل گیری زمینه هایی که منجر به ارتکاب این گونه جرایم می شود بصورتی ناخواسته نقش مؤثری ایفا می کنند. هرچه شهر بزرگتر باشد به همان نسبت و حتی بیشتر بر تعداد جرایم افزوده می شود به نحوی که میتوان گفت ضرایب ازدیاد جرایم به مراتب بیش از آهنگ بزرگتر شدن شهرهاست. مهتر آنکه جرایم خشن و وحشتناک بیشتر در شهرهای پرجمعیت و بزرگ اتفاق می افتد. شهر اصولا محل تجمع ثروت و زیبایی است. ثروت و تجمل موجود در شهرها بخودی خود فریبنده است. افراد ضعیف النفس و جوانان بیش از سایرین در معرض اغوا قرار می گیرد و آنان صاحبان این ثروت و تجمل را نمی شناسند گاهی حتی صاحبان این ثروت ها راهم منکر گردیده تصور می نمایند این ثروت به کسی تعلق ندارد. در این شرایط است که برخی از افراد عنوان خود را از دست داده و مرتکب جرم می شوند.

موضوع دیگر آنکه در شهرهای بزرگ افراد بیش از حد احساس تنهایی و عزلت می نمایند. بین ساکنین شهرهای بزرگ و تماس لازم بین افراد برقرار نمی شوند.

آنان کسی را نمی شناسند و کسی هم آنان را نمی شناسند بلکه آنان را نیز مزاحم خود می دانند. بدین ترتیب احساس خود شناسی و دیگر شناسی که مهمترین عامل بازدارنده انسان از خشونت است از بین می رود. شاید از زاویه ای دیگر

نیز بتوان به این موضوع توجه نمود و آن نوع مجازاتی است که برای مرتکبین جنایات خشن در نظر گرفته میشود. معمولاً اعدام واژه‌ای است که انتظار آن را در پی وقوع جرائم خشن داریم. در مورد مجازات اعدام باید گفت در حالی که در بعضی از کشورها این نوع مجازات لغو گردیده و به جای آن محکومیت به زندان با سالهای بسیار طولانی در نظر گرفته شده است در بعضی از کشورها مانند آمریکا این نوع مجازات در بعضی از ایالت‌ها انجام میشود و در ایالتی دیگر ممنوعیت اجرا دارد. در کشور ما طبق قانون مجازات اسلامی ۱۶۰۰ نوع عمل مجرمانه وجود دارد و به جز ۸۵ مورد جرم که به طبق نظر قاضی می‌تواند مستحق مجازات اعدام باشد. جرایمی چون اختلاس و فروش مواد مخدر (فروشندگانی که بیشتر از پنج کیلو تریاک یا بیش از صد گرم هروئین همراه داشته باشند اعدام میشوند) از این قبیل می‌باشد. بسیاری از کارشناسان معتقدند که در دادگاه با جرایمی مواجه میشوند که هیچ مجازاتی جز اعدام برای آنها کافی نبوده است در توصیه‌های حقوق بشری و اعلامیه‌های متعدد حقوق بشر آمده است: مجازات اعدام نباید اجرا شود و اگر شد باید به خشن‌ترین جرم‌ها اختصاص پیدا کند؛ جرایمی چون قتل عمد، آن هم قتل که با تمهیدات و نقشه قبلی انجام شده باشد.

هرچه در جامعه‌ای خشونت بیشتر باشد مجازات‌ها سنگین‌تر می‌شوند؛ بعد از جنگ جهانی دوم در جامعه اروپا تا حدی از خشونت‌ها کاسته شد و فعالیت‌هایی برای جلوگیری از اعدام صورت گرفت. در گذشته هدف از اعدام، آزار و اذیت جسمی مجرم بود اما در دنیای امروزی هدف از اعدام قطع حیات مجرم است؛ برای همین دولت‌ها سعی میکنند، آسانترین روش اعدام را پیدا کنند.

در کشورهای غربی سعی میشود با استفاده از داروی بیهوشی، بیمار به خواب رود و دیگر به هوش نیاید و اخیراً نوع مجازات اعدام را خود محکوم انتخاب می‌کند. در حال حاضر سیستم اثباتی حدود که بیش‌ترین اعدام‌ها رو به خود اختصاص داده دارای مشکل است، زیرا قانون با شهادت، متهم را محکوم می‌کند؛ اما توجه نمیشود که در دنیای امروز، شهادت کالایی است که در بازار خرید و فروش می‌شود و نمی‌توان به اعتبار کالا حکمی را صادر کرد.

نکته مهم این است که یکی از دلایل وجود مجازات اعدام ارباب مجرمان برای جلوگیری از تکرار جرم است اما آمارها نشان داده در کشورهایی که مجازات اعدام حذف شده، میزان جرایم زیاد نشده است.

اما در اینجا نکات پنهانی نیز وجود دارد بیشترین فروشنده‌گان بی‌سواد و فقیر هستند و در رده‌های اجتماعی پایینی قرار دارند پیامد اعدام برای خانواده‌های این افراد رو آوردن به فحشا و قاچاق است.

اهمیت جرم خشن و جرم به صورت کلی‌تر آن در حدی است که جامعه‌شناسان تاکنون از دیدگاه‌های گوناگون در قالب نظریه‌های مختلفی به آن توجه کرده‌اند.

«نظریه آنومی دور کنیم که در آن تأکید بر از بین بردن نفوذ هنجارهای اجتماعی در جامعه است، نظریه آنومی مرتن که بیشتر به موقعیت طبقه پایین جامعه توجه دارد و معتقد است در حالی که افراد طبقه بالای جامعه به راحتی به امکانات مورد نظر خود دسترسی دارند، افراد طبقه پایین جامعه با انتخاب گزینه بدعت سعی در استفاده از روشهای نابهنجار برای دستیابی به اهداف را دارند. نظریه یادگیری ساترلند که در آن جرم رفتاری تلقی میشود که مجرمین آن را می‌آموزند و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که در آن بر پیوندهای فرد با جامعه تأکید می‌شود و عناصری چون دلبستگی، سرسپردگی، درگیر بودن و باور داشتن اهمیت می‌یابد.»^{۱۳}

«سامپسون در تحقیقات خود نشان داد که دلیل افزایش وقوع جرم در محله‌های پر جمعیت تنها مسایل جمعیتی مانند مرگ و میر نوزادان یا کمبود بهداشت و امکانات با نرخ بالای فرار از مدرسه نیست بلکه عامل مهم‌تر از اینها فقدان روابط اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی در حدی نیست که بتواند افراد را در جهت رسیدن به اهداف مشترک یاری دهد.»^{۱۴}

^۱ - (سراج زاده، سیدحسین، نامه علوم اجتماعی شماره ۸۷: ۱۳۸۶، ۳۱)

این موضوع حتی رفتارهای ساده افراد را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. مثلاً در این محیط ها احساس نا امنی در هنگام پیاده روی تنها در خیابان، دو سوم بیش از مناطق دیگر است.

جامعه شناسان معتقدند که وقوع جرم با پدیده فقر ارتباط نزدیکی دارد، در کشورهایی که سطح رفاه عمومی پایین است و فقر بخش عمده ای از جمعیت را تحت تأثیر قرار داده است، وقوع جرم با احتمال بیشتری همراه است. از سوی دیگر حتی در کشورهایی که فاصله زیادی بین طبقات ثروتمند و فقیر جامعه وجود دارد باز هم وقوع جرم شدت می یابد. اگر چه آن چه تحت عنوان محرومیت نسبی (Relative deprivation) خوانده میشود لزوماً به معنی ارتکاب جرم نیست بلکه عوامل گوناگون دیگری در کنار آن موجب پیدایش جرم میشوند. از میان تمامی این عوامل، نابرابری تأثیر بیشتری بر وقوع جرم دارد.

«فجزیلبر در مطالعات خود نشان داده که با افزایش درآمد عمومی میزان جرم کاهش می یابد به طوری که رفاه اجتماعی رابطه معکوس با میزان ارتکاب جرایم دارد»^{۱۵}

در واقع حمایت وسیع دولت از افراد بر عوامل و پارامترهای مؤثر واقع می شود که افزایش و بهبود آنها زمینه لازم برای کاهش جرم را فراهم می سازد. در این میان حتی پدیده ای مثل شهر نشینی نیز می تواند بر جرم مؤثر واقع شود به طوری که تراکم جمعیت در برخی نقاط شهری به تنهایی عامل مهمی در وقوع جرم است.

از دیگر عوامل ایجاد کننده خشونت معاملاتی است که افراد در گروه های همسالان با یکدیگر پیدا کنند. در درون این گروه ها نوعی حس وفاداری بین افراد ایجاد می شود که از یک سو رفتار تمامی اعضاء را شبیه یکدیگر می سازد و از سوی دیگر خروج از این پیمان را تا حدی دشوار می سازد که عملاً می توان آن را غیر ممکن دانست.

«در واقع خشونت امکانی برای حفظ انسجام درون گروه و مقابله با تمامی عوامل بیرونی است، در اروپا اگر چه خشونت بین از آمریکا است.»^{۱۶}

«گیلیگان در تحقیقات خود رفتار خشونت آمیز زانانیان را در طی سالهای طولانی بررسی کرد، او نتیجه گرفت که در تمامی حالات خشونت با تجربه احساس شرمندگی (Experience of feeling shamed) و بی احترامی (humiliated) و مسخره شدن (Ridiculed) همراه است.»^{۱۷}

در موارد دیگر ارتباط بین قتل و رقابت های مردانه مورد توجه قرار گرفته است، «مردان در بسیاری موارد شهرت و آبروی خود را در خطر می بینند و برای بازگرداندن آب رفته به جوی تلاش می کنند اما معمولاً در این تلاش ها موفق نمی شوند، از سوی دیگر قانون برای چنین وقایعی روشن نیست و نمی توان با استناد به قانون دست به اقداماتی زد لذا تنها راه باقیمانده برای اقدامی است که خود فرد آن را تجربه میکند.»^{۱۸} البته این موضوع به میزان اعتماد به نفس افراد نیز مربوط می شود اما تحولات و رویدادهای اجتماعی نقش مهمی در وقوع و شکل گیری آنها دارد. در تمامی این تحلیل ها باید به نقش مهم و مؤثر جامعه نیز اشاره کرد در واقع هر جامعه ای، نه فقط به لحاظ فرهنگی دارای هدف های مجاز و معینی است بلکه افزون بر آن به لحاظ اجتماعی نیز دارای ابزارهای تأیید شده ای برای رسیدن به آن اهداف است. هرگاه فرد به این وسایل دست پیدا نکند احتمال بروز رفتار انحرافی و کجروی برای او به عنوان حاصل این فقدان وجود خواهد داشت و امنیت جامعه به مخاطره خواهد افتاد.^{۱۹}

جامعه شناسان اغلب در بررسی جرائم خشن به فرآیند مداخله (Intervention process) اشاره می کنند اما در واقع هیچ فرآیند مداخله ای وجود ندارد که بتواند موضوع جرائم خشن را به طور کامل از بین ببرد. در واقع جرم تحت تأثیر عوامل

³⁻ (Fajnzylber, 2002:47)

^{۴-} (klein, 2006:75)

1- (Gilligan, 2005:147)

متعددی چون، ویژگی های فردی، گروه های همسالان، شرایط خانوادگی، نهادهای اجتماعی، ویژگی های محلی و قومی و عوامل متعدد فرهنگی و اجتماعی شکل میگیرد اما می توان سه موضوع اصلی را در کاهش جرائم خشن به عنوان مهمترین عوامل در نظر گرفت:

میزان خطری که زندانیان و مجرمین بالقوه و توانمند ایجاد میکنند به عنوان یک پتانسیل قوی سنجیده شود یعنی توانمندی آنان در ایجاد جرم و خطراتی که دیگران را تهدید می کند بر اساس یافته های تجربی محاسبه و سنجیده میشود.

میزان توانمندی نهادها و سازمان هایی که می توانند از وقوع جرائم جلوگیری کنند.

میزان موفقیت برنامه هایی که مدیریت جرم در جامعه را بر عهده دارند.

این سه عامل هم بر یکدیگر تأثیر می گذارند و هم از یکدیگر تأثیر می پذیرند. به عنوان مثال هنگامی که بخواهیم برنامه ریزی موفقیت آمیزی داشته باشیم باید اطلاعات مفید و کاملی از تعداد مجرمین و نوع جرائمی که انجام می دهند در دسترس باشد.

برخی از روانشناسان نیز نوعی سنخ بندی کالبدی (Somatic typology) را مطرح ساخته اند که بر طبق آن انسان ها در سه سنخ کالبدی تقسیم می شوند: ۱- فربه تن (endomorph) ۲- ستر تن (Mesomorph) ۳- کشیده تن (Ectomorph) و معتقدند فربه تنان آرام، احساساتی و لذت گرا هستند، ستر تنان دارای اعتماد بنفس، پر حرارت و پر انرژی و فعالند و کشیده تنان تیز هوش، هنرمند و عصبی هستند. شلدون (Sheldon) معتقد بود که ستر تنان وضعیتی مستعد رفتار مجرمانه دارند. او معتقد بود گروهی از این افراد که در معرض اثر گذاری های ناروا قرار داشته باشند به رفتار مجرمانه دست می زنند.^{۲۰}

اما این نظریات امروزه چندان مورد قبول نیست و موضوعات دیگری چون فرهنگ خشونت در کانون توجه قرار گرفته است.

دو نظریه مهم جامعه شناسی در مورد قتل به نظریه محدودیت بیرونی و نظریه خرده فرهنگ خشونت معروف هستند. در نظریه محدودیت بیرونی قتل پیامد ناکامی است به طوری که بعضی از افراد در پی این ناکامی دست به خود کشی و برخی دیگر دست به دیگر کشی یا قتل می زنند. از منظر این نظریه خودکشی و آدم کشی ها اساساً یک چیزند و هر دو کشتن پر خاشگرانه ناشی از ناکامی اند به طوری که خود کشی، پر خاشگری درون گرا و بر علیه خویش است در حالی که آدم کشی پر خاشگری برون گرا و بر علیه دیگری است.^{۲۱}

در واقع در نظریه محدودیت بیرونی به وضعیت فرد در جامعه توجه می شود و نیازهای او با توجه به شرایط و ویژگی های جامعه مورد توجه قرار می گیرد. در ای نظریه مسئله مهم این است که فرد تا چه حد توانسته است به سطح مطلوبی از برآورده شدن نیازهای خود در جامعه دست یابد.

نظریه خرده فرهنگ خشونت نیز مدعی است که در خرده فرهنگ خشونت، ضرب و شتم افراد و توسل به پر خاشگری به لحاظ اجتماعی مورد تأیید و پذیرفته است و پیامد برخی محرک ها محسوب می شود و خشونت جزء آشنا و مرگ بار تلاش برای زندگی است^{۲۲} در این نظریه سخن این است که فرد از طریق اعمال خشونت سعی بر آن دارد تا آنچه را که نمی تواند به صورت معمول به دست آورده از طریق اعمال خشونت برای خود میسر سازد. این مسئله تا حد زیادی به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامع مربوط می شود به طوری که در بسیاری موارد متفاوت بزرگی بین

۴- (سلیمی، علی، جامعه شناسی، انتشارات حوزه ۱۳۸۵:۲۷)

۵- (صدیق سروسرستانی، رحمت اله، انتشارات تهران، ۱۳۸۵:۱۲۹)

۶- (صدیق سروسرستانی، رحمت اله، آسیب های اجتماعی، انتشارات تهران، ۱۳۸۵:۱۳۰)

کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. در کشورهای توسعه یافته اگر مطابق قانون عمل کنیم، هم به هدفمان می‌رسیم و هم به سودمان است و اگر مخاف قانون عمل کنیم به سودی نمیرسیم علاوه بر آنکه جریمه هم میشویم. اما در جهان سوم، ما بدون مراعات قانون به هدفمان می‌رسیم و علاوه بر آن سود بیشتری هم می‌کنیم. این تفاوت بزرگی در فرهنگ این دو گروه از کشورها اساساً^{۲۳} این تفاوت‌ها می‌تواند موجب ایجاد رفتارهای خشن باشد و در این میان نقش دولت نیز حائز اهمیت است. اینکه تا چه حدی میزان دولت قادر است تا در عرصه فعالیت‌های اجتماعی مداخله کند از اهمیت زیادی برخوردار است.

در جامعه‌شناسی وضعیت اتومیک نیز حائز اهمیت است، منظور از آن این است که یا هیچ قانونی نباشد یا چنان قانون قدرتمندی داشته باشیم که همه چیز را در بگیرد و ما را سرگردان سازد. در کشور ما برای همه چیز قانون است اما مسئول مربوط نمی‌داند به کدام یک از آنها باید عمل کند. آنچه مشکل بزرگ ما است رفتار ما در زمین است و گر نه در کتاب و قانون مشکلی وجود ندارد.^{۲۴}

ثر واقع این امر پذیرفته شده است که دولت باید نقش مهمی در کنترل وضعیت اجتماعی ایفا کند همانطور که دولت از دیدگاه و بر یک اجتماع انسانی تلقی می‌شود که حق انحصاری استفاده مشروع از زور را در قلمرو ارضی معینی دارد.^{۲۵} اما تحقیقات جدیدتر نشان می‌دهد که نرخ خشونت و ارتکاب جرم در میان ملل مختلف متغیر است و در طول زمان و همراه با شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشورها تغییر می‌کند. در این زمینه سؤالات مهمی مطرح است مانند اینکه چرا مردم یک کشور در یک دوره زمانی خاص تمایل بیشتری به ارتکاب جرائم پیدا می‌کنند؟ زیمنباردو نشان می‌دهد که انسان‌های خوب در شرایط خاص می‌توانند دست به ارتکاب اعمال مجرمان بزنند و دلیل آن فرآیند پیچیده‌ای که به صورت شبکه‌ای آنها را در بر میگیرد و زمینه را برای ارتکاب جرائم توسط آنها مساعد می‌سازد.^{۲۶}

شاید این ویژگی جوامع شهری مدرن است زیرا در آنها ارتباط مابین انسانها به گونه‌ای دیگر تعریف میشود. در جامعه‌شناسی موضوعی بنام موزاییک شهری مطرح می‌شود که منظور آن انسان‌هایی هستند که از لحاظ جغرافیایی همسایه یکدیگرند ولی هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند^{۲۷} این نوع خاص ارتباط که فاقد پیوندهای عاطفی قوی است می‌تواند عملاً منجر به تحولاتی در روابط اجتماعی بین افراد گردد.

بالا بردن نرخ قتل در شهرهای بزرگ و مناطق روستایی را به فقدان یگانگی اجتماعی نیز نسبت داده‌اند. زیرا در مناطق روستایی پراکندگی جمعیت و انزوا باعث خوداتکایی و تراکم جمعیت موجب نا همگونی جمعیت و هر دوی اینها (خوداتکایی ناشی از پراکندگی و نا همگونی ناشی از تراکم جمعیت) موجب کاهش یگانگی اجتماعی در بین شهروندان گمنام و روستائیان دور افتاده می‌شود که خود می‌تواند از عوامل آدم‌کشی باشد.^{۲۸}

در بررسی‌های کلاسیک تأکید عمده‌ای بر زمینه‌های فردی در پیدایش جرائم خشن انجام می‌شد بطوریکه ویژگی‌های فردی به عنوان عامل اصلی و مهم در ارتکاب جرائم مطرح می‌گردید اما امروزه علاوه بر آن به زمینه‌هایی توجه می‌شود که نقش واسطه‌ای مهمی در ارتکاب افراد به جرائم خشن ایفا می‌کنند.

۱- (صدیق سروسستانی، رحمت اله، شهر اخلاق و اخلاق آپارتمان نشینی، مرکز مطالعات فرهنگی تهران، ۱۳۸۶:۲)

۲- (صدیق سروسستانی، رحمت اله، مرکز مطالعات فرهنگی تهران ۱۳۵، ۱۳۸۶)

۳- (صدیق سروسستانی، رحمت اله، نامه علوم اجتماعی ش ۲۵، ۱۳۸۴:۱۵۶)

4- (zimbaro, 2007:250)

۵- (صدیق سروسستانی، رحمت اله، مرکز مطالعات فرهنگی تهران، ۱۳۸۶:۲)

۶- (صدیق سروسستانی، رحمت اله، انتشارات تهران آسیب شناسی اجتماعی، ۱۳۸۵:۱۳۱)

مواد مخدر، اسلحه و مشروبات الکلی عوامل مهمی در وقوع جرم و آسیب های اجتماعی هستند. در انگلستان رشد جنایت با سلاح سرد (چاقو و کارد) بسیار زیاد بوده است^{۲۹} برداشت عمومی این است که استفاده از مواد مخدر قطعاً به وقوع برخی از جرائم خشن می انجامد اما می توان گفت برخی از نتایج در این زمینه ها قدری مبالغه آمیز است زیرا بیشتر مجرمین از مواد مخدر استفاده می کنند و تصور بر این است که استفاده از مواد مخدر عامل اصلی جنایت باشد در حالی که اگر تعداد کل استفاده کنندگان از مواد مخدر را در نظر بگیریم، بخش عمده ای از آنها در زمره مرتکبین جرائم خشن قرار نمیگیرند. در مورد استفاده از مشروبات الکلی نیز معمولاً همین برداشت انجام می شود یعنی تصور این است که الکل خود عامل مهمی در ایجاد جنایت است اما باید این موضوع با دقت و ظرافت بیشتری بررسی شود و میزان مصرف و شیوع آن در جامعه عمیق تر مورد توجه قرار گیرد.

معمولاً خشونت هایی که به عامل الکل نسبت داده می شود اغلب علل و انگیزه های فردی دارد یعنی سوژه ای خاص یا فردی خاص را مورد توجه قرار می دهد در حالی که در مورد مواد مخدر فرد مصرف کننده آن به هدف کلی توجه دارد و افراد به صورت سوژه هایی یکسان فرا روی او قرار می گیرند. همچنین محیط های فیزیکی نیز در ایجاد جرائم مربوط به مصرف الکل مؤثرند. به طوری که بیشترین جنایات ناشی از مصرف مشروبات الکلی در بارهای فروش مشروبات و پس از آن در هنگام رانندگی روی می دهد.^{۳۰}

اما در این موارد نیز تنها نوشیدن الکل نیست که باعث ایجاد خشونت می شود بلکه فاکتورهایی مانند عوامل جنسی و حتی مشکلات در حمل و نقل عمومی و بی نظمی در سطح جامعه از عوامل مؤثر در چنین جنایاتی است. به این نکته نیز باید اشاره کرد که بین افزایش هزینه های زندگی از طریق افزایش شاخص قیمت مصرف کننده (تورم) و قتل عمد، رابطه ای مثبت وجود دارد. به طوری که در استان هایی که هزینه زندگی بالاتر، نرخ مشارکت اقتصادی پایین تر و جمعیت بیشتر است تعداد موارد قتل عمد بیشتر است. در پایان به این سؤال باید توجه کرد که آیا میزان خشونت تبهکارانه هزینه ای است که جامعه در مقابل آزادی های فردی که شهروندانش از آنها بهره مند هستند، می پردازد؟ برخی مسلماً همین نظر را بیان کرده استدلال می کنند که جرائم خشن در جامعه ای که در آن تعاریف انعطاف نا پذیر همنوایی بکار بسته نمی شود، اجتناب نا پذیر است. اما این نظر هنگامی که به دقت بررسی شود چندان درست به نظر نمی رسد. «در بعضی جوامع که در آنها دامنه گسترده ای از آزادی های فردی به رسمیت شناخته شده است و برخی اعمال کجروانه تحمل می شود (مانند هلند) میزان جرائم خشن اندک است. برعکس کشورهایی که دامنه آزادی های فردی در آنها محدود است (مانند آفریقای جنوبی) ممکن است سطح بالایی از خشونت را نشان دهند. جامعه ای که نسبت به رفتار کجروانه تحمل نشان می دهد دچار شکاف اجتماعی نمی شود. اما دستیابی به این امر احتمالاً هنگامی ممکن است که آزادی های فردی با عدالت اجتماعی همراه گردد.^{۳۱}

در بررسی های گوناگون نقش خانواده در بزهکاری ها اثبات شده است، اگرچه جرائم خشن نوع خاصی از آسیب های اجتماعی را تشکیل می دهند اما می توان گفت خانواده به عنوان نهاد نخستین می تواند نقش قوی تری در زمینه سازی این جرائم ایفا نماید.

اگرچه برخی از جرائم ممکن است به صورت آنی اتفاق بیفتد و فردی که دارای هیچگونه سوء سابقه ای نیست ناگهان دست به ارتکاب جرمی مانند قتل بزند و حتی لحظاتی بعد از آنچه روی داده است به سختی پشیمان شود اما نمی توان این قاعده کلی را نادیده گرفت که خانواده در ایجاد جرائم ساده تری مانند بزهکاری نقش دارد و هنگامی که ارتکاب این جرائم برای افراد عادی بشود دست زدن آن ها به جرائم بزرگتر نیز متحمل می گردد.

7- (Helfern, 2005:49)

1- (Prideman, 2002:74)

۲- (گیدنر، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهری، نشر نی، ۱۳۸۱: ۱۸۶)

به طور کلی حاکم بودن روابط مطلوب در درون خانواده رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی فرزندان را امکان پذیر می سازد و مهمترین گام در پیشگیری از به انحراف کشیده شدن آنها است. عملکرد نامطلوب خانواده موجب آشفتن شدن روابط عاطفی بین اعضای خانواده می شود در نتیجه در یک دور باطل از تعاملات پیچیده زمینه بروز برای مشکلات روانی و رفتاری بیشتر و شدیدتر خواهد شد.

می توان با ۹۹٪ اطمینان گفت که بین عملکرد کلی خانواده های نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار تفاوت معنی داری وجود دارد، در واقع هرچه سطح عملکرد خانواده پایین باشد احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه در بین جوانان بیشتر خواهد بود این موضوع را باید مد نظر قرار داد که عملکرد خانواده به عنوان یک عامل پیش بینی کننده مهم برای بروز اختلالات رفتاری می باشد. اساساً نقش های خانوادگی زمانی به مؤثرترین شکل تحقق می یابد که در بر گیرنده تمام کارکردهای ضروری می باشد و به طور عادلانه بین اعضاء تقسیم شود و همچنین درباره انجام وظایف اعضا پیگیری مستمری انجام گیرد، در خانواده های نوجوانان بزهکار به خاطر از هم گسیختگی و غفلت خانوادگی تخصیص نقش ها در خانواده به درستی صورت نمی گیرد والدین دچار غفلت شده و به مسائل تربیتی، تحصیلی، اقتصادی و تفریحی کودکان و نوجوانان اهمیت نمی دهند و آنها را به حال خود رها کرده و فرزندان بیشتر به اجتماع و گروه های همسالان روی می آورند. و نظارت والدین بر روی آنها حاکم می شود.

عموماً خانواده های نوجوانان بزهکار شرایط مناسبی ندارند، چنین خانواده هایی احتمالاً اعضایش را به سمت رفتارهای مخرب و پر خاشگرانه پنهانی سوق می دهد و مبارزه برای کسب قدرت در خانواده شدت می گیرد. نقش های خانوادگی در خانواده های نوجوانان غیر بزهکار و بزهکار متفاوت می باشند و در خانواده های نوجوانان غیر بزهکار نقش ها شرایط مطلوب تر دارند. چون نقش های خانوادگی شامل: نقشها و وظایف اعضای خانواده، چگونگی تقسیم وظایف بین اعضاء قدرت برنامه ریزی برای ادای وظایف، تبیین نقش ها و مرزها برای اعضاء و وضع مقررات برای برقراری نظم در خانواده های نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیر بزهکار در سطح پایین تر می باشند. این امر تأثیر زیادی در ایجاد رفتار بزهکارانه آنان داشته است.

در واقع این موضوعات باعث شده اند که خانواده های نوجوانان غیر بزهکار محیطی امن برای آنها بوده و نوجوانان با پناه بردن به آن از گزند آسیب ها دور باشند ضعف در اجرای نقش های خانوادگی یکی از زمینه های اصلی بروز اختلالات رفتاری و ویژه بزهکاری در جوانان است.

دو گروه نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در مسائلی نظیر قدرت ابداع خانواده در حل مشکلات خویش، حمایت از یکدیگر در موقع بحران، تدبیر راههایی برای حل مشکل، ارزشیابی راه حل های اعمال شده، ارتباط صریح اعتماد متقابل، مسئولیت پذیری و ایجاد مقررات و آگاهی از مسائل سایر اعضای خانواده با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت می تواند زمینه ساز بروز رفتار های ضد اجتماعی در فرزندان نوجوان خانواده گردد اصولاً وجود مهر و محبت در کانون خانواده به تقویت ایمان، تقویت ارزشهای اخلاقی و به وجود آمدن خودپنداری مثبت در نوجوانان کمک می کند و اثر مهمی در رفتار نوجوانان و وسیله ای مناسب برای تسکین ناراحتی های درون بلوغ است.

ار آنجا که ارتباط عاطفی اعضای خانواده از طریق آگاهی یافتن از احساسات سایرین و ابراز عواطف نسبت به یکدیگر در خانواده های نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیر بزهکار در سطح پایین تری می باشد این موضوع در ایجاد رفتار غیر بزهکارانه در آنان مؤثر بوده است و می توان چنین نتیجه گرفت که پایین بودن سطح ابراز عواطف در خانواده نقش تعیین کننده در گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری دارد. ارتباط صمیمانه، روابط صحیح خانوادگی، ثبات خانوادگی و

همچنین کمک به همدلی خانواده و عدم تعارض والدین باعث می شود که کودکان و نوجوانان کمتر دست به بزهکاری
بزنند.^{۳۲}

نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می دهد عوامل مختلفی در کنترل و پیگیری از وقوع جرایم خشن موثر می باشند و دستگاه قضایی کشور و نهادهای مرتبط مانند شورای پیشگیری از وقوع جرم باید با ایجاد شرایط و بسترهای مناسب زمینه را برای شناخت و مبارزه با این جرایم فراهم آورند.

شماری از نتایج به دست آمده و قابل طرح در این تحقیق عبارتند از:

۱- شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی کشور بر چگونگی و انگیزه افراد در ارتکاب جرائم موثر واقع می شود ممکن است در یک کشور علت اصلی قتل مسایل مالی باشد و در کشوری دیگر این موضوع در رتبه نخست قرار نگیرد. «در ایران طبق اطلاعات پلیس آگاهی ناجا ۵۰ درصد مقتولان زن از سوی محارم درجه یک به قتل رسیده اند» یعنی می توان گفت پاره ای از مسایل فرهنگی از اهمیت فوق العاده ای در این زمینه برخوردارند. برخی از مسائل حاشیه ای نیز در شکل گیری و ارتکاب به این جرائم نقش موثری دارند.

۲- با نگاهی به جرائم از گذشته با حال و بررسی پرونده های کیفری در یک سال اخیر به نظر می رسد آمار جرائم خشونت آمیز در جامعه رو به افزایش است و این در حالی است که روز به روز خشونت نقش بیشتری در میان مردم ایفا می کند.

۳- وقوع جرایم خشن در جامعه علت تامه و منحصر وجود احساس امنیت در میان افراد است. جرایم خشن به دلیل اهمیت و تاثیرات مخرب آن بر جامعه ارتباط مستقیمی با حس امنیت و آسایش عمومی دارد و هر چه از میزان ارتکاب جرایم خشن در جامعه کاسته شود افراد جامعه احساس امنیت بیشتری خواهند داشت.

۴- جامعه شناسان معتقدند که وقوع جرم با پدیده فقر ارتباط نزدیکی دارد، در کشورهایی که سطح رفاه عمومی پایین است و فقر بخش عمده ای از جمعیت را تحت تاثیر قرار داده است، وقوع جرم یا احتمال بیشتری همراه است. درصد ارتکاب جرایم خشن در بین اقشار کم درآمد جامعه بیشتر از افراد با سطح درآمد بالا است. فقر و نابرابری های موجود در هر جامعه ای، پیامدهای خاص خود را دارد و نه تنها باعث بروز بحران می شود بلکه بر اساس سلسله ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز بحران هایی از قبیل بحران مهاجرت، حاشیه نشینی، بحران آسیب ها و انحرافات اجتماعی از قبیل بحران طلاق، اعتیاد، بزهکاری، فحشا، قتل، خشونت و انواع جرایم دیگر را فراهم می آورد.

۵- در کشور ما همان طور که مشاهده می شود تورم به صورت سرسام آوری افزایش یافته در حالی که میزان درآمد افراد افزایش قابل توجهی نداشته است و در حالی که افراد قدرت خرید چند سال پیش خود را دارند و قدرت خریدشان افزایش نیافته، قیمت ها افزایش چشمگیری پیدا کرده ات. این موارد می تواند در تضعیف پیوندهای خانوادگی، کاهش آستانه تحمل افراد و پرخاشگری آنها با هر بهانه نقش داشته باشد و مواردی از جمله طلاق و خانه گریزی و انواع جرایم کوچک و بزرگ را به همراه داشته باشد.

۶- جرایم خشن به واسطه صوصیاتی که دارند معمولاً توسط مردها انجام می شود و طبق تحقیقات به عمل آمده و مطالعه پرونده های جرایم خشن زنان به مراتب کمتر از مردان مرتکب جرایم خشونت بار می شوند، جرایم ارتكابی زنان معمولاً شامل جرایم علیه اموال، مالکیت یا جرم های جنسی می باشد.

۷- در بررسی های گوناگون نقش خانواده در بزهکاری ها اثبات شده است، اگر چه جرائم خشن نوع خاصی از آسیب های اجتماعی را تشکیل می دهند اما می توان گفت خانواده به عنوان نهاد نخستین می تواند نقش قوی تر در زمینه سازی این جرائم ایفا نماید.

نتایج این تحقیق نشان می دهد افرادی که فاقد محیط گرم خانوادگی بوده اند و کمتر مورد توجه و محبت والدین خود قرار گرفته اند بیشتر از سایر افراد مرتکب جرایم خشن شده اند.

منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- کتب
- ۱- افتخاری، اصغر، ۱۳۴۷، «خشونت و جامعه»، به اهتمام اصغر افتخاری، تهران، نشر سفیر.
- ۲- امینی خانه برق، صابر، ۱۳۹۲، «ابعاد حقوقی و جرم شناختی سرقت های خشن»، تهران، پندار پارس.
- ۳- انوری، حسن، ۱۳۸۲، «فرهنگ بزرگ سخن»، انتشارات مهارت، جلد دوم.
- ۴- پرفیت، آلن، ۱۹۲۵، «پاسخ هایی به خشونت»، گزارش کمیته مامور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آلن پرفیت؛ ترجمه مرتضی محسنی، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۵- تافلر، آلوین، ۱۳۸۷، «دانایی، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم»، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ۶- تریف، تری، ۱۳۸۳، «مطالعات امنیتی نوین» ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- جهاننگلو، رامین، ۱۳۳۵، «اندیشه عدم خشونت»، ترجمه محمدرضا پارسایار، تهران، نشر نی.
- ۸- خلعتبری، عبدالحسین، ۱۳۸۷، «سرقت های مسلحانه و به عنف با رویکرد پلیسی»، کارآگاهی از دیدگاه جرم شناسی و حقوقی، اثر کتابسرای تندیس.
- ۹- رایبینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین، ۱۳۸۳، «رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسایل اجتماعی»، ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- رینور، جورج، ۱۳۷۴، «نظریه های جامعه شناسی»، محمد صادق مهدوی و همکاران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول.
- ۱۱- سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۸۵، «جامعه شناسی کجروی»، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۲- صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۸۵، «آسیب شناسی اجتماعی»، انتشارات تهران.
- ۱۳- صفاری، علی، ۱۳۸۳، «درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و انواع آن»، انتشارات سمت.
- ۱۴- کی نیا، مهدی، «مبانی جرم شناسی»، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۱، «جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- ۱۶- گیلیگان، جیمز، ۱۳۸۹، «پیشگیری از خشونت، ریشه یابی علل و عوامل»، ترجمه ملیحه باذلی، حمیدرضا حسین زاده، تهران، انتشارات ملیحه باذلی.
- ۱۷- لبیبی، محمدمهدی، ۱۳۳۸، «جامعه شناسی جرائم خشن»، تهران، شرکت نشر نقد افکار.
- ۱۸- لیپست، سپو، ۱۳۸۳، «دایره المعارف دموکراسی»، ترجمه کامران فانی، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۳، «وندالیسم»، انتشارات تهران.